

اولی عاون شریعت الله و برهان طریقت حقیقت طایفه ایشان
 با حکام شرع آراسته و باطن ایشان با نور فقر افروخته
 رخش زمین از دل ناخته گوی کوچکام ابد باخته
 معتکفان حرم کبریا شسته ز در صورت کبریا
 راه نور حق شکست قدم رازکت بیان فرو بست دم
 دور نگر بعضی اولیا مؤمنان پر بیز کار آمد و آیت قرون
 شام اینست قوله تعالی اللہ ولی الذلین آمنوا
 و نذر بعضی اولیا اللہ جمعی باشند که با یکدیگر دوستی از برای
 الی برده خود دار مارا و می یانف مالکند ارا
 ما خود بگردان می نهدی میس باشد که کردد امنی مردی تمام
حق در بیان ادب طریقت طایفه ای طالب هوشمند
 از ادب طریق ادب است بزرگان گفته اند که
 من ترک الادب رد عن الباب بران
 البیوس

البیوس نهصد هزار سال طاعت کرد و بسبب بی ادبی ضایع گشت
 بر طالب ادب واجبست که در نزد علانیه با ادب باشد
 نگاه دارد و بر طریق عشق بنیاز که گفته اند طریقت تمام را
 بر که راز دره وجود بود پیش بر ذره در سجود بود
 کار اینچنان که کتوشش است آب نیخی که در دهان است
بسی بیان ای طالب هوشمند یکی از ادب اصول طریقت
 که گفتن است بصوت رسیده است که پیغمبر صلی الله
 اکثر اوقات سکوت اختیار کردی بقدر حاجت سخن
 در شفای قاضی عباس رحمة الله علیه مذکور است که پیغمبر
 صلی الله علیه و سلم اندوه پیوسته داشتی تا ضرورت
 نمیشد سخن نمیگفتی و خاموشی ایشان دور دراز بود
منقول است که ایام نافع رحمة الله علیه بروایت
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم
 من یست الی الله عنده آمله که پیغمبر صلی الله

در بیان ادب طریقت